

گزارش

سازمان صداوسیما به پایان دومین سال دوره مدیریتی اخیر خود نزدیک می‌شود و مثل همه دوره‌ها با نقدهای مشفقانه تا انتقادات پریحاجان از سوی گروه‌ها و جریانات مختلف مواجه است.

صراحت در بیان هویت رسانه ملی

یک ویژگی البته این دوره را نسبت به سایر دوره‌های گذشته متمایز کرده است و آن صراحت سازمان در اعلام آن چیزی است که می‌خواهد باشد.

انتشار سند تحول سازمان با ایده‌ها و حرف‌های جدیدی همراه است که برخی از آن‌ها در گذشته یا مطرح نبود و یا مورد توجه قرار نمی‌گرفت. در این سند صداوسیما «محور رسانه‌ای انقلاب اسلامی» برای پیشرفت تا نیل به تمدن اسلامی – ایرانی معرفی شده است. این هدف‌گذاری کلان که برای تحقق آن به جایگزینی مدیریت خط سبزی به جای مدیریت خط قرمزی و اولویت دهی محتوا بر جذابیت و کمیت تاکید شده است در دو سال گذشته مبنای عملکرد مسئولان رسانه ملی در سطوح مختلف بوده است. عدالت محوری و هویت‌گستری نیز به عنوان شاخص‌های اصلی برنامه‌سازی مطرح شده است و معیار سنجش تعالی سازمان صداوسیما قرار گرفته است.

ابعاد درون سازمانی و برون سازمانی اثربخشی رسانه

در ادامه گزارش مهر آمده است،حتماً مسئولان سازمان در دو سال طی شده با ابزارها و شاخص‌های مناسب ارزیابی عملکرد نسبت به سنجش پیشرفت برنامه‌ها در مسیر سند تحول اقدام کرده‌اند و از نتایج ارزیابی‌ها برای پیگیری یا اصلاح مسیر استفاده کرده‌اند؛ اما در کنار ارزیابی‌های درون سازمانی، قضاوت مخاطب رسانه ملی که مصرف کننده اصلی آثار تولید شده بوده و میدان اثرگذاری آن به شمار می‌آیند حائز اهمیت است. در واقع نگرش مخاطبان به رسانه بخش مهمی از محیط راهبردی برون سازمانی به شمار می‌آید که پایش و تحلیل آن برای دستیابی به موفقیت ضروری است و هیچ رسانه‌ای به ویژه صداوسیما نمی‌تواند نسبت به مخاطب و واکنش آن بی‌توجه باشد. اگر چه تلقی نادرست از مرجعیت رسانه‌های در قایت با ماهورها و رسانه‌های معارض باعث شده تا این مفهوم

ابوالقاسم اسماعیل‌پور معتقد است با توجه به این‌که در معرفی اسطوره‌های ایرانی کم‌کار بوده‌ایم، کودکان و نوجوانان اسطوره‌های غربی چون «ژئوس» و «هرکول» را بیشتر می‌شناسند.

این اسطوره‌شناس و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با ایسنا درباره نوشتن از اسطوره‌ها و معرفی آن‌ها در کودکان و نوجوانان اظهار کرد: در ضرورت نوشتن از اسطوره‌ها شکی نیست؛ آشنایی با اسطوره‌ها به‌خصوص اسطوره‌های ایرانی و اسطوره‌های هیتی مملکت خودمان برای کودکان، نوجوانان و جوانان بسیار ضروری است. اگر کودکان و نوجوانان اسطوره‌های خارجی را بیشتر می‌شناسند به این دلیل است که در حوزه معرفی اسطوره‌های ایرانی کم‌کار بوده‌ایم و از طرف دیگر غربی‌ها کارتون‌ها، فیلم‌ها و کتاب‌های متعددی در این‌باره نوشته‌اند که به‌آسانی در فضای مجازی در دسترس نوجوانان قرار می‌گیرد.

او افزود: البته آثار مهم و متعددی در عرصه شاهنامه‌شناسی و اسطوره‌های شاهنامه نوشته شده است؛ اما برای این‌که اسطوره‌های برای کودکان و نوجوانان و نسل جوان جذاب‌تر شود، لازم است به‌صورت پایه‌ای و اصولی یعنی بر اساس برنامه میان‌مدت و درازمدت بر روی این موضوع کار کنیم و نویسندگان، شاعران و ادیبان‌مان در این حوزه قدم بگذارند و اسطوره‌ها را معرفی کنند. اسماعیل‌پور با بیان این‌که هر انسانی در این کره خاکی باید صاحب هویت باشد، خاطرنشان کرد: آشنایی با اسطوره‌ها، کودکان و نوجوان را به هویت دیرینه کشور خود پیوند می‌زند. اگر آن‌ها هویت‌شان را نتوانسند به‌آسانی جذب هویت‌ها و فرهنگ غرب می‌شوند. الان بچه‌های ما شخصیت‌های «ژئوس» و «هرکول» و دیگر شخصیت‌های غربی را خیلی بیشتر و راحت‌تر از شخصیت‌های کشورمان می‌شناسند و این موضوع به دلیل این است که در آن‌جا تبلیغ بیشتری می‌شود؛ اما زمانی که شما از اسطوره‌های ایران مثلاً سیاوش و رستم می‌گویید، شاید به آن اندازه آشنایی نداشته باشند.

سریال «موقعیت مهدی» جمع‌ها از شبکه یک

نسخه سریالی «موقعیت مهدی» قرار است از این هفته پخش خود را آغاز کند؛ جمع‌ها شبکه یک داستان زندگی شهید باکری را به نمایش درمی‌آورد.

به گزارش تسنیم، نسخه سریالی «موقعیت مهدی» تحت عنوان عاشورا به کارگردانی هادی حجازی‌فر از ۲۷ مردادماه پخش خود را آغاز می‌کند. قرار است این سریال جمع‌ها از شبکه یک سیما روی آنتن برود.

خبری که پیش از این محسن برمهانی معاون سیما در آیین تجلیل از خیرنگاران داده بود.

البته قرار است این سریال تا هفته دفاع‌مقدس جمع‌ها به آنتن یک سیما برسد و در هفته دفاع‌مقدس هر شب پخش شود.

پروژه سریال شهید باکری که نام‌های مختلفی را به خودش دیدد نهایتاً تحت عنوان «عاشورا» به نمایش درخواهد آمد. البته نسخه سینمایی‌اش با نام «موقعیت مهدی» روانه رقابت سودای سیمرغ جشنواره فیلم فجر شد. عملکرد خوب این فیلم در سینما و فضای جشنواره‌ها، یک بار دیگر نشان داد تلویزیون می‌تواند با سرمایه‌گذاری درست، منتخبی در میان سینمایی‌ها هم داشته باشد.

حمله تروریستی به شاهچراغ بر دیوار نگاره میدان ولیعصر(عج) نقش بست

تازه‌ترین دیوارنگاره میدان ولیعصر(عج) نصب شد. این دیوارنگاره به اقدام

ضرورت صراحت صداوسیما در اعلام موضع و برنامه

آیا همه باید توبه کنند؟



صدا و سیما ی جمهوری اسلامی ایران



به بن بست یا تعطیلی هم رسید اهمیت چندانی ندارد و ناگزیر است؛ که قطعاً چنین رویه‌ای، اسراف و هدر دادن منفعلا نه سرمایه انقلاب است.

روند پژوهی ۱۰ سال اخیر درباره آمار مخاطب علاوه بر آن‌که میزان تأثیر تغییر فضاوری و چالش‌های اجتماعی نظیر اغتشاشات سال گذشته را روشن می‌کند، معیار خوبی برای ارزیابی عملکرد دوره‌های مختلف مدیریتی سازمان نیز خواهد بود. در این شرایط و با فرض پذیرش کاهش مخاطب، ارزیابی تلاش نیروهای جبهه انقلاب که دوره اخیر به سازمان آمده‌اند و همچنین گروه دیگری که از قبل حضور داشته‌اند، جایگاهی حیاتی و برجسته دارد.

برنامه‌هایی مثل «معلی»، «محل»، «خودمونی»، «زندگی پس از زندگی» و… در دوره مدیریتی اخیر تولید شده‌اند و هم زمان در جذب مخاطب و انجام کار درست موفق بوده‌اند و مخاطب با اختلاف فاحشی آن‌ها را بیشتر از سایر ایده‌های تولید شده پذیرفته و تماشا کرده است؛ پس نیز رو به کاهش است، به این معناست که اگر صداوسیما

نقش مهم مخاطب در ارزیابی اثربخشی رسانه

با فرض پذیرش آنچه گفته شد، افزایش یا کاهش مخاطب یک شاخص معنادار است و سازمان صداوسیما به عنوان مرجع مهم و رسمی رسانه‌ای در جمهوری اسلامی باید بتواند آینده مخاطب خود را تثبیت و مشخص کند. این توجیه که مخاطب در سطح رسانه‌های شناخته شده دنیا نیز رو به کاهش است، به این معناست که اگر صداوسیما

یک اسطوره‌شناس:

بچه‌ها «ژئوس» و «هرکول» را

بیشتر می‌شناسند

این اسطوره‌شناس با بیان این‌که معرفی و شناخت اسطوره‌ها یکی از راه‌هایی آشنایی نوجوان ایرانی با ادبیات بومی و فرهنگ کهن‌مان است، اظهار کرد: معرفی هر اسطوره‌ای چند حالت دارد؛ داستان‌نویسان داستان‌های کهن را که راجع‌به اسطوره‌های ملی و حماسی چون «فریدون»، «کیومرث» و «سهراب» داریم یا شخصیت‌ها و اسطوره‌های دینی را که در قالب «قصص‌الانبیاء» عرضه شده‌اند، به زبان ساده و جذاب بازسازی کنند. البته نه به این معنا که خلاصه کنند؛ بلکه به‌صورت جذاب در اختیار کودکان قرار بدهند. حالت دوم ارائه آثار در بعد هنری و تصویرگری است. اگر کتاب‌ها بدون تصویر باشد، جذابیتی برای بچه‌ها ندارد. در مرحله سوم باید آن‌ها را به‌صورت فیلم و کارتون دربرآورد و موسسه‌های هنری و ادبی این وظیفه را بر عهده بگیرند تا اسطوره‌ها را برای بچه‌ها از سنین پایین جذاب‌تر کنند. او یادآور شد: دکتر مهرداد بهار، اسطوره‌شناس قدر و تحلیل‌گر آثار فرهیخته، دو سه عنوان کتاب برای کودکان و نوجوانان با موضوع اسطوره نوشته بود. البته برخی از ناشران درباره اسطوره‌های شاهنامه کار کرده‌اند؛ اما تک‌توک کتاب‌های خوبی عرضه شده، برخی از آن‌ها خیلی عامیانه بوده و جدیت لازم را نداشتند، باید ناشران و نویسندگان در این زمینه جدیت داشته باشند. اگر بخواهیم در این زمینه موفقیتی داشته باشیم و ناشران با اسطوره‌های یونان و روم و هند و سرخ‌پوست‌ها رقابت کنند، باید نویسنده‌ها بتوانند در این زمینه گسترده‌تر عمل

طبیعی است که مدیران ارشد صداوسیما موفقیت خود را تنها با معیار همراهی گفتمانی و کارایی تولیدی سنسجد و اثربخشی را نیز ملاک تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌های آتی قرار دهند. امروز که تولید محتوای رو به آرمان، تلاش برای هم‌افزایی و فرماندهی واحد و اولویت‌های محتوایی سازمان شناخته شده است نباید کسانی را که ظرفیت تولید در این چارچوب را دارند حذف کرد. حمایت از برنامه سازمان جبهه انقلاب نیز باید به گونه‌ای باشد که ضمن حفظ و فراهم کردن عرصه رقابت و حضور مانع از پرورش گلخانه‌ای و آسیب‌پذیری آن‌ها در عرصه اثرگذاری اجتماعی و فرهنگی شود.

در استفاده از ظرفیت و برخورد با چهره‌ها نیز نمی‌توان همه آن‌ها را با یک معیار ارزیابی کرد و گفت همه باید توبه کنند. جرم و مجازات در عرصه اجتماعی نیز باید متناسب باشد. حتماً کسی که مقابل انقلاب ایستاده با کسی که سکوت کرده متفاوت است، حتماً آن کس که سبک زندگی غرب زده خود را آشکار می‌کند با آن که چنین بازنمایی‌نادار متفاوت است؛ حتماً کسی که لذت و سرمایه‌گذاری خود را در خارج از ایران تعریف می‌کند با آن که در کشور ماندن و همین‌جا کار و سرمایه‌گذاری کردن را ترجیح می‌دهد فرق دارد.

بنابراین نحوه برخورد نیز باید متناسب با این تفاوت‌ها باشد و نباید فراموش کرد که در خصوص هر چهره، قضاوت و داوری باید متناسب با مقتضیات فردی و اجتماعی خود او باشد. درک این مهم به ویژه برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران فرهنگ و رسانه اهمیت دو چندان دارد.

ارتقا شذنی نیست که این چهره‌ها هویت خود را از رسانه‌های انقلاب و اغلب از صداوسیما دارند و این موضوعی است که متأسفانه امروز، کمتر توجهی به آن می‌شود؛ اما از سوی دیگر نباید غافل شد که سرمایه بیت‌المال و انقلاب در مسیر رشد این افراد هزینه شده است و نباید منفعلانه و به سادگی از سرمایه‌گذاری‌هایی که روی این چهره‌ها انجام شده بگذریم. حفظ و نگهداشت درست سرمایه‌ها و چهره‌ها نیز بخشی از وظیفه مسئولان و تصمیم‌گیرندگان است و این مهم، با شناسایی دقیق و درست نسبت میان برخورد و بداری و اثر اجتماعی آن‌ها محقق خواهد شد.

کنند و مخاطبان بسیاری داشته باشند. درست است که مخاطبان کتاب‌های کودک و نوجوان، کودکان و نوجوانان هستند؛ اما خانواده‌ها نیز باید این ضرورت را احساس کنند. آن‌ها وقتی می‌بینند فیلم‌های زیادی از اسطوره‌های غربی به‌راحتی در دسترس زبان ما هست به سراغ آن‌ها می‌روند. ناشران و نویسندگان باید به سمت معرفی اسطوره‌های ایرانی، هیتی و سنتی بروند تا مخاطبان را جذب کنند.

این استاد دانشگاه درباره این‌که آیا می‌توان از همه اسطوره‌ها برای بچه‌ها داستان نوشت باتوجه‌به این‌که برخی رس‌نوش تراژیک دارند گفت: این‌که نوشتن از چه معرفی از اسطوره‌ها ضروری‌تر است، فکر می‌کنم پاسخ شخصیت‌های اسطوره‌ای باشد؛ جذاب‌ترین شخصیت‌های اسطوره‌ای که در شاهنامه منعکس شده است، همین‌طور اسطوره خدایان ایران باستان چون میترا (خدای خورشید) یا تیشتر (خدای باران)، بچه‌ها بیشتر با اسطوره‌ها و الهه‌های غربی چون ژئوس (الهه جنگ) و هرا آشنا هستند. نوجوان باید با برابرنهادهای ایرانی و ملی آشنا باشد تا بتواند احساس کند ما هم در برابر اسطوره‌های یونان و روم اسطوره‌های جذاب‌تری داریم و همه این کاراگرترها در فرهنگ ایران دیده می‌شود.

ابوالقاسم اسماعیل‌پور در پایان گفت: من موافق نیستم همه داستان‌های شاهنامه را به ادبیات کودک و نوجوان وارد کنیم و همیشه به همکاران می‌گویم داستان «رستم و سهراب» که نتیجه‌اش کشتن فرزند توسط پدر است برای کودکان زود است و باید به شکل دیگری با اسطوره‌ها آشنا شوند که از آن‌ها احساس غبن نکنند. کودک این توانایی را ندارد که تراژدی رستم و سهراب را درک کند؛ بنابراین آشنایی با این بخش در مرحله بعدی قرار دارد. «سیمرغ» و «رخش» (اسب رستم) از اسطوره‌های جذاب برای کودکان است که می‌تواند روحیه بالایی به آن‌ها بدهد و نویسندگان می‌توانند نوشتن از آن‌ها در اولویت قرار دهند و در سنین بالاتر به تراژدی‌ها بپردازند.

حمایت از برگزاری رویدادهای مردمی ماه‌های محرم و صفر

دستیار رئیس جمهور در امور مردمی‌سازی دولت با حضور در برنامه «محرم شهر» با تاکید بر اینکه چنین رویدادهای مردمی باید مردمی باشد و هم سهم دولت در آنها بیشتر مشارکت در آنها بیشتر شود بیان داشت: دولت وظیفه دارد تا زیرساخت‌هایی را مهیا کند و خدماتی را برای بهتر برگزار شدن چنین رویدادهایی ارائه دهد. به گزارش فارس، سید احمد عبودیتان دستیار رئیس جمهور در امور مردمی‌سازی دولت پس از بازدید از نخستین سوگواره آیینی شهر تهران، «محرم شهر» که در میدان آزادی برگزار می‌شود، در سخنانی گفت: اتفاقی که این شب‌ها در قالب ویژه برنامه «محرم شهر» در میدان آزادی رخ می‌دهد کمک می‌کند تا فضای معنوی در شهر تهران بسط و گسترش پیدا کرده تا از یک محله و نقطه به تمام شهر برسد. به عبارت دیگر، این رویداد گام بزرگی برای مهیا شدن فضای اجتماعی جامعه جهت برگزاری هرچه باشکوه‌تر مراسم اربعین حسینی است.

وی اضافه کرد: همانطور که می‌دانید در چند سال گذشته اتفاق بسیار خوبی از سوی آحاد مختلف مردم رخ داده تا مراسم اربعین شهادت امام حسین (علیه

تورریستی و غمگین حرم احمد بن موسی(ع) - شاه‌چراغ، اختصاص دارد.

زائر زمین خورد و سلامی داد بر ارباب

فرش حرم را خون مظلومان‌های برداشت

شیر از شد لبریز از عطر گل لاله

لیخد را اشک از گل ریحانه‌ای برداشت

فرهنگ و هنر

دریچه

فیلمی که تماما

در سطح روایت می‌شود

سارا بقایی

فیلم سینمایی «بی‌مادر» که این روزها در حال اکران در سینماهای کشور است قصه‌ای را روایت می‌کند که تماما در سطح رخ می‌دهد و توان رفتن به عمق را ندارد.

مشکلی که پیشتر و به کرات در مورد فیلم های ایرانی وجود داشته و نقد منتقدان را برمی انگیزت این بود که فیلم نامه هایی که به خوبی شروع می کنند به خوبی ختم نمی کنند و پایان بندی ضعیف یکی از پرتکرارترین مشکلات در تولیدات سینمایی بود. در سالهای اخیر اما شاهد تولیداتی هستیم که نه تنها مشکل پایان بندی را حل نکرده

اند بلکه شروع و روایت ضعیفی هم دارند.

بی مادر یکی از دقیق ترین مصادیق چنین فیلم نامه هایی است؛ فیلم نامه هایی که با شکلی عجیب و بی سر و ته جلو می روند و مخاطب را سردرگم می کنند؛ مشکل بی مادر در جای تشدید می شود که این بی قاعدگی فیلمنامه با اجرای بد بازیگران همراه می شود و ملغمه ای بی مفهوم را رقم می زند.

مرجان با بازی مبترا حجار یک پزشک زنان و زایمان است که با همسرش امیرعلی با بازی امیرآقای که او هم یک پزشک (روانکاو) است زندگی به ظاهر جذاب و مرفهی دارند و تنها کمبودشان بچه دار نشدن آنهاست. کمبودی که برای جبرانش با اصرار مرجان به سراغ یک رحم اجاره ای می روند و در این مسیر با مهروز با بازی پردیس پورعابدینی آشنا می شوند؛ مادری که فرزندی بیمار دارد که در نوبت پیوند کلیه قرار دارد.

مرجان قول هزینه جراحی پسر مهروز به نام عرفان را می دهد و مهروز به اجاره رحم خود در ازای بهبودی فرزندش تن می دهد و داستان زندگی این سه نفر از اینجا به همدیگر گره می خورد.

این قصه به رغم پردازش های بسیاری که پیش از این در فیلم ها و قصه های گوناگونی دنبال شده است در صورت داشتن یک فیلمنامه منسجم و استخوان دار می توانست به اثری دیدنی و جذاب بدل شود چرا که ترکیب بازیگرانش هم پیش از این امتحان خود را پس داده بودند که به صورت بالقوه توانایی روایت قصه ای خوب را داشتند؛ در غیاب یک فیلمنامه خوب اما همه چیز از دست می رود و بازیگران بی مادر یکی از بی کیفیت ترین نسخه های خود را به تصویر می کشند. مثلا پژمان جمشیدی که در کارنامه بازیگری خود عدداً از پس نقش های کمدی و جدی به شکل قابل قبولی برآمده است در این فیلم به رغم تلاشی که برای یک اجرای متفاوت دارد اما به دلیل مشکلاتی چون ضعف فیلمنامه و گرم مصنوعی (شکم بند پورتزی که در سکانس هایی به شکلی خنده دار قابل تشخیص است) و… چنان که باید از پس ایفای نقش بر نمی آید.



یکی از مشکلاتی که فیلمنامه در کیفیت بازی بازیگران ایجاد کرده این است که نمی توان با هیچکدام از شخصیت ها همراهی یا همدردی کرد. نه حسادت های مرجان قابل باور است و نه مادرانگی مهروز نه رفتارها و دیالوگ های امیرعلی به یک روانکار شباهت دارد و نه پرخشاری ها و فریادهای پژمان جمشیدی در نقش برادر سنتی و متعصب مهروز قابل باور است.

در نهایت قصه در جانداختن گره هایش خوب پیش نمی رود و موفق نمی شود در موضوعاتی که تلاش دارد به مخاطب منتقل کند (مثلا احساس مادرانگی مهروز در غم از دست دادن فرزندی و شادی متولد شدن فرزندی دیگر یا حسادت های مرجان از توجه همسرش به مهروز و یا رابطه امیرعلی با مهروز) به عمق برود و همراهی بیننده را به دست آورد. در این میان مخاطب ناچار است تا از میان دیالوگ های بی ربط و در هم و برهم بازیگران تلاش کند تا خط داستانی مورد نظر فیلمساز را پیدا کرده و براین اساس به درکی از مفهوم ملحوظ نظر فیلم برسد. بی مادر بی شک یکی از ضعیف ترین ساخته های سال های اخیر است که تلاش می کند تا بستر قراردادن تقابل قشر ضعیف و غنی جامعه قصه ای تکراری را تکرار کند.

بیی مادر فیلمی به نویسنده گی و کارگردانی سیدمرتضی فاطمی و تهیه‌کنندگی علی اوجی و محمدرضا مصباح محصول سال ۱۴۰۰ است که در بخش سودای سیمرغ جشنواره فیلم فجر جشنواره فیلم فجر حضور داشت. ایرنا

طراح گرافیک این اثر محسن کربلایی‌زاده است.

عصر ۴ آبان ۱۴۰۱ در حمله‌ای تروریستی به حرم شاهچراغ شیراز ۱۳ نفر کشته

و بیش از ۲۰ نفر زخمی شدند. همچنین در روزهای گذشته و در ۲۲ مرداد

۱۴۰۲ حمله تروریستی دیگری در شاهچراغ اتفاق افتاد که در نتیجه آن، یک نفر از خادمان مسجد و یک شهروند کشته و هفت نفر زخمی شدند.